

مجلس به رأس امور بازگردد

میثم ظهوریان در گفتگو با نوبنیاد: در پیام رهبر انقلاب تکالیف مهمی بر دوش نمایندگان گذاشته شده است و بحث مضاعف شدن تلاش آن‌ها و اولویت داشتن نگاه‌های ملی و نگاه‌های کلان و ناظر به مسائل اساسی عموم مردم نسبت به نگاه‌های منطقه‌ای در فضای مجلس از مهم‌ترین موضوعات است.

۲



گزارشی از خسارت به نیروها و تجهیزات آمریکایی در کویت پس از حمله موشکی
نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در روزهای اخیر

سکوت میدان شکست

۷



انتقام امام شهید
قبل از پیکر مطهرش
به خاک سپرده شد

جای خالی خونخواهی

۳

صفحه ۵

اقتصادی

مقصرسازی به جای حل مسئله

صفحه ۴

اقتصادی

سرنوشت نامعلوم

۷۰۰ همت بسته حمایتی از تولید

دی ماه سال گذشته و پس از اجرای سیاست تک‌نرخ شدن ارز و حذف ارز ترجیحی بود که دولت از تصویب یک بسته حمایتی ۷۰۰ هزار میلیارد تومانی برای جبران آثار این سیاست بر تولیدکنندگان خبر داد.

صفحه ۱۱

فرهنگی

امیرحسین قیاسی

قرار نیست از پای سفره بلند شود!

((امیرحسین قیاسی)) بود که بعد از چهل روز استوری گذاشت و با بی‌اعتنایی نسبت به مسببان اصلی درد و رنج مردم، از اینترنت و... گفت تا همین راهم به وقت نیاز برای مخاطبان هدفش فاکتور کند.

برجامی‌ها، تامین‌کننده جوهر نیویورک تایمز؟

امیر شهشهانی
روزنامه‌نگار

از آغاز جنگ تحمیلی سوم، یکی از قابل تأمل‌ترین تحرکات رسانه‌ای غرب در گزارش‌هایی رخ داده است که گرچه در رسانه‌های آمریکایی منتشر می‌شوند اما ادبیات، کلیدواژه‌ها، سوژه‌سازی‌ها و حتی خطوط حمله آنها به طرز عجیبی یادآور همان گفتمانی است که سال‌ها از سوی طیفی خاص در داخل کشور، به ویژه جریان برجامی و دوم‌خردادی، تکرار شده است.

متن کامل در صفحه ۷

گفتگوی نوبنیاد با میثم ظهوریان، نماینده مردم مشهد پیرامون پیام رهبر انقلاب درباره آغاز بکار سومین سال فعالیت مجلس دوازدهم

مجلس به رأس امور بازگردد

گرانی‌های اخیر و همچنین تأثیر برگزاری صحن علنی مجلس بر تحقق برخی مطالبات رهبر انقلاب با میثم ظهوریان، نماینده مردم مشهد گفتگو کردیم.

پیرامون بیانات اخیر رهبر معظم انقلاب درباره آغاز بکار سومین سال فعالیت مجلس دوازدهم و وظایف نمایندگان مجلس در قبال مردم، مهار تورم و



ورود پیدا کرد و مجلس می‌تواند با ورود خود موتورهای تورم‌زای اقتصاد را خاموش کند. به عنوان مثال خلق پول بی ضابطه بانک‌های خصوصی که عمدتاً هم به بخش‌های غیرمولد و شرکت‌های وابسته داده میشود. لذا اگر طبیعتاً مسئله این است که ما باری را از دوش مردم برداریم و بحث اقتصادی را برای مردم بهبود دهیم. یکی از بحث‌ها و ظرفیت‌های مهم این است که ظرفیت‌ها و قدرت خلق پول بانکی در خدمت نیازهای جامعه، نیازهای مردم، اشتغال آفرینی و توسعه فضای کسب و کار قرار دهیم.

سهم برگزاری صحن علنی مجلس را در تحقق برخی مطالبات رهبر معظم انقلاب چقدر می‌دانید؟

امروز اصلی‌ترین وظیفه قوه مقننه، قانونگذاری است که ریل‌گذار و تعیین‌کننده حرکت کشور و همچنین سیاست‌گذار و تعیین‌کننده مسیر حرکت کشور است. همچنین مجلس دارای کمیسیون‌های فعال و همچنین شئون نظارتی است. اما قانونگذاری که اصلی‌ترین و مهم‌ترین وظیفه مجلس است باید در صحن علنی انجام شود و تعطیلی صحن علنی باعث شد مهم‌ترین وظیفه مجلس بر روی زمین بماند.

و طبیعت مجلس هم تعاطلی و تقاطع و طرح دیدگاه‌های مختلف و متفاوت با یکدیگر است اما این نکته که این دیدگاه‌ها تبدیل به تنازع و جدال نشود به نظر بنده جزو موارد مهمی بود که مورد تأکید رهبر انقلاب قرار گرفت.

به نظر شما برای تحقق فرمایشات رهبر انقلاب در پیام اخیرشان، مجلس شورای اسلامی چه کارهایی را باید در دستور کار قرار دهد؟

در پیام رهبر انقلاب تکالیف مهمی بر دوش نمایندگان گذاشته شده است و بحث مضاعف شدن تلاش آن‌ها و اولویت داشتن نگاه‌های ملی و نگاه‌های کلان و ناظر به مسائل اساسی عموم مردم نسبت به نگاه‌های منطقه‌ای در فضای مجلس از مهم‌ترین موضوعات است.

مهار تورم و گرانی از جمله مطالبات رهبر معظم انقلاب در پیام اخیرشان بود. مسئولیت مجلس در این موضوع بسیار مهم چیست؟

در بحث فضای اقتصاد مجلس نقش کلیدی و اثرگذاری دارد. بویژه وقتی ما در حوزه سیاست‌گذاری از مسئله تورم صحبت می‌کنیم می‌شود به موضوع تورم از طریق الگوها و برخوردهای تعزیراتی

ناظر به پیام اخیر رهبر معظم انقلاب درباره آغاز بکار سومین سال فعالیت مجلس دوازدهم، بنظر شما مهمترین توصیه‌ها و مطالبات ایشان از نمایندگان مجلس کدام موارد بود؟

پیام رهبر انقلاب نکات بسیار حائز اهمیتی داشت و از مهمترین توصیه‌های رهبری که می‌شود به آن اشاره کرد؛ اول اینکه آنچه در مجلس در قالب وظایف تقنینی و نظارتی انجام می‌شود بیش از گذشته ناظر به مسائل، اولویت‌ها و نیازهای واقعی مردم باشد. لذا ضعف جدی در این خصوص در مجلس شورای اسلامی وجود دارد. چراکه بسیاری از طرح‌ها و سؤالاتی که دنبال می‌شود جزو اولویت‌های کشور نیست یا کم‌اثر است. نکته دوم بحث تلاش مضاعف در عرصه قانونگذاری است. تا مجلس فعال‌تر و نقشش پررنگ‌تر در جهات مختلف شود. به نظر بنده نقصانی در این حوزه در دو سال اخیر وجود داشته است. یعنی در بسیاری از مسائل مهم کشور عملاً مجلس بازی داده نمی‌شد و این را به عنوان برگرداندن مجلس به رأس امور می‌توان تقصیر کرد.

نکته دیگر بحث عدم تنازع و جدال در مجلس است. البته اصل اختلاف هیچ اشکالی ندارد و موضوعی طبیعی است

خبر کوتاه

رضایی: ترامپ برای سومین بار به دیپلماسی خیانت کرد

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: همانطور که پیش‌بینی می‌شد، رئیس‌جمهور آمریکا برای سومین بار در حال خیانت به دیپلماسی است. او با ادامه محاصره دریایی و زیاده‌خواهی در مذاکره، بیش از پیش ثابت کرد که اهل و هدف دیگری را دنبال می‌کند.

روانبخش: با انتشار متن توافق دروغگویی ترامپ را اثبات کنید

نماینده مردم قم در مجلس در حساب کاربری خود در وب‌راستی نوشت: بهترین راه برای اثبات دروغگویی ترامپ انتشار متن توافق است. صداوسیما جمهوری اسلامی ایران برای اثبات دروغگویی ترامپ و تکذیب ادعاهای وی در زیرنویس شبکه خبر از اعتبار «خبرگزاری صدا و سیما» استفاده می‌کرد. ولی اکنون که دعوی صدق و کذب توافق مطرح شده و هر کدام حرف یکدیگر را تکذیب می‌کنند، بهترین راه برای اثبات مدعی تیم مذاکره‌کننده ایرانی انتشار متن کامل توافقنامه است نه نقل خبر از خبرنگار صداوسیما!

قمی: قانون‌مداری کمترین توقع از دولت است

حجت‌الاسلام محمد قمی عضو شورای عالی فضای مجازی در وب‌راستی نوشت: در زمانه‌ی وحدت و در وضعیت تداوم دشمنی و استمرار جنگ که همه پای کار کمک به دولت هستند، قانون‌مداری کمترین توقع است. عبور از مصوبه‌ی صریح شورای عالی امنیت ملی، بی‌توجهی به جایگاه شورای عالی فضای مجازی و نادیده گرفتن رأی دیوان عدالت اداری، بدعتی در حکمرانی قاعده‌مند است. گلایه‌ها از عدم التزام به قانون، به جاست. تصمیمات تخصصی باید از مسیر قانونی خودشان اتخاذ شوند.

ثابتی: حق مردم این نیست که اخبار مذاکرات را از رسانه‌های آمریکایی بشنوند

نماینده مردم تهران در مجلس در اجتماع مردمی خیابان آیت‌الله عبادی مشهد گفت: یکی از علل ترور رهبر شهیدمان این بود که در اثر فضای مذاکره، ایران غافلگیر شد و اقدامات لازم برای حفاظت از جان رهبر انقلاب انجام نشد و در واقع دشمن از فضای مذاکره جهت غافلگیری ما استفاده کرد. وی با انتقاد از تیم مذاکره‌کننده که اخبار مذاکرات را شفاف به مردم منتقل نمی‌کنند، تصریح کرد: این حق مردم نیست که تحولات مربوط به مذاکره با دشمن را از رسانه‌های آمریکایی و اسرائیلی بشنوند و برخی مسئولان دشمنان را از مردم خودمان محرم‌تر بدانند.

شریعتی: بجای غرامت، حتی امکان مصادره و ضربه را هم واگذار کردید

نماینده مردم تهران در مجلس در حساب کاربری خود نوشت: وقتی در توافق، صندوق بازسازی را می‌پذیرید و همزمان تعهد می‌دهید دیگر نجنجید، یعنی بجای غرامت، حتی امکان مصادره و ضربه را هم واگذار کردید.

سازشی

معاون روحانی: باید به ترامپ ۲ میلیارد دلار باج می‌دادیم!

عیسی کلانتری معاون حسن روحانی در دولت دوازدهم اخیراً طی مصاحبه‌ای مدعی شد: «اگر تمام مسئولیت مذاکرات با آمریکا دست من بود، قبل از جنگ، ۲ میلیارد دلار به شخص ترامپ می‌دادم و با او سازش می‌کردم و همه اختلافات را تمام می‌کردم... اگر دو میلیارد دلار در حلقوم ترامپ می‌ریختیم جنگ نمی‌شد، ۲۰۰ میلیارد دلار خسارت نمی‌دیدیم و او عقب می‌نشست. مذاکره یعنی همین!»

این نگاه ساده‌اندیشانه به آمریکا و مذاکره نشان داده جریان‌ها که تمامی هویت خود را در سازش و مذاکره با آمریکا می‌دید و می‌بیند، حتی با دو جنگ تحمیلی یکسال اخیر هم از خواب بیدار نشده و همچنان تئوری‌های ساده اوائیل دهه ۹۰ و دوران برجام را تکرار می‌کند. ادعاهای اخیر کلانتری در حالی است که ترامپ در مواضع متعددی راجع به ایران تصریح داشت که هدف او واردی چون تغییر رژیم، تجزیه ایران و همچنین غارت نفت کشورمان بوده‌است. در چنین فضایی طرح ایده‌های خام و بسیطی نظیر سخنان اخیر کلانتری، فاصله زیاد این طیف با واقعیات و مناسبات جاری میان ایران و آمریکا را بار دیگر نشان داد. همچنانکه حسین مرعشی دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی در دوران ریاست‌جمهوری نخست ترامپ با این ادعای عجیب که «روحانی اگر حاضر می‌شد با ترامپ سلام علیک کند تمام تحریم‌ها برداشته می‌شد!» تا مدت‌ها سوزها رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی بود.



حوزه

مهدورالدم بودن قاتلِ قائلِ شهید حکم صریح مرجعیت شیعه است



روز پنجشنبه ۷ خرداد بیش از ۹۰۰ نفر از اساتید حوزه‌های علمیه سراسر کشور، در نامه‌ای خطاب به قالیباف، نگرانی عمیق خود را نسبت به کنار گذاشتن یارِ قیق و کمرنگ شدن مطالبات رهبری و مردم در مذاکرات اعلام کردند و خواستار تحفظ کامل به شروط ده گانه، و حفظ صلابت و قاطعیت در مقابل دولت مستکبر آمریکا شدند. در بخشی از این نامه آمده است: نگرانی اصلی، کنار گذاشتن یارِ قیق و کمرنگ شدن مطالبات و شروط صریح رهبر معظم انقلاب (دام ظلّه) و ملت مبعوث، مبنی بر «کنترل کامل ایران بر تنگه هرمز همراه با اخذ عوارض»، «پذیرش حقوق هسته‌ای ایران با تاکید بر حق غنی‌سازی»، «رفع همه تحریم‌های اولیه و ثانویه»، «خاتمه تمامی قطعنامه‌های شورای امنیت و شورای حکام»، «پرداخت خسارت جنگ به ایران»، «خروج نیروهای رزمی آمریکا از منطقه» و «توقف جنگ در همه جبهه‌های مقاومت» است. این مطالبات که در «شروط ده‌گانه» بیانیه ۱۹ فروردین ۱۴۰۵ شعاع مندرج شده است. باید قطب‌نمای میدان دیپلماسی باشد و به عنوان «مطالبات واجب‌الاجرا» (و نه صرفاً «پیشنهاد») تحقق بی‌کم‌وکاست میدان دیپلماسی باشد. به رغم تجربیات تلخ چند دوره مذاکرات گذشته با دولت مستکبر آمریکا، هنوز عده‌ای راه بیرون رفت از مشکلات را در مذاکره و رویکرد انفعالی می‌بینند و قاطعیت و مواضع صریح در مواجهه با دولت مستکبر و رئیس جمهور خیبت آن را بر نمی‌تابند. از جمله نتایج خفت‌بار چنین رویکردی، بی‌اعتنایی بلکه انتقاد از حکم صریح مرجعیت شیعه درباره مهدورالدم بودن قاتلِ قائلِ شهید بود.

چرا ادبیات انتقام رهبر شهید انقلاب از گفتمان رسمی مقامات دولتی و هیات مذاکره‌کننده کنار رفت؟

جای خالی خونخواهی

شهادت رهبر انقلاب در جنگ ایران با آمریکا و اسرائیل، بزرگ‌ترین ضربه سیاسی و امنیتی به جمهوری اسلامی از زمان تأسیس آن بود. در روزهای نخست پس از این واقعه، مقامات ارشد کشور از خونخواهی، انتقام و مجازات عاملان این جنایت سخن گفتند و بر حق مشروع ایران برای پاسخ تأکید کردند. اما با گذشت زمان، این ادبیات به تدریج از گفتار رسمی کنار رفت و تنها به مطالبه مردم حاضر در میادین خلاصه شد و در عرصه سیاسی جای خود را به موضوعاتی مانند مذاکرات داد. اکنون این پرسش مطرح است که چرا پرونده خونخواهی عالی‌ترین مقام دینی و سیاسی کشور، با وجود اهمیت نمادین و راهبردی آن، دیگر جایگاه پررنگی در گفتمان رسمی ندارد؟

سعید قاسمی
روزنامه‌نگار

در نخستین روزهای پس از شهادت رهبر انقلاب، ادبیات خونخواهی و انتقام در میان مقامات ارشد کشور حضوری آشکار داشت. مسعود پزشکیان در بیانیه رسمی خود تصریح کرد که «جمهوری اسلامی ایران خون‌خواهی و انتقام از عاملین و آمرین این جنایت تاریخی را وظیفه و حق مشروع خود می‌داند و با تمام توان خود به تحقق این مسئولیت و تکلیف بزرگ خواهد پرداخت.» عبارتی که نشان می‌داد موضوع خونخواهی در همان ساعات ابتدایی، به عنوان یک مطالبه رسمی از سوی عالی‌ترین مقام اجرایی کشور مطرح شده است.

محمد باقر قالیباف نیز در روزهای نخست موضوعی مشابه اتخاذ کرد. او یازدهم اسفند در پیامی که در شبکه «ایکس» منتشر کرد خطاب به رهبر شهید نوشت: «قسم به خون پاک تو که دشمنان و قاتلان را به التماس کردن می‌اندازیم. دو روز بعد نیز تأکید کرد که «تا آخرین نفس منتقم خون فرزندان بی‌گناه و مظلوم ایرانیان» خواهد بود. این ادبیات نشان می‌داد که موضوع انتقام و مجازات عاملان جنایت، دست‌کم در روزهای ابتدایی، جایگاه مهمی در گفتار سیاسی کشور داشته است.

عباس عراقچی، وزیر امور خارجه، نیز یازدهم اسفند در تماس تلفنی با وزیر خارجه ارمنستان اعلام کرد که «ایران انتقام خون رهبر شهید خود را خواهد گرفت.» این موضع‌گیری از سوی مسئول اصلی دستگاه دیپلماسی کشور، حامل این پیام بود که خونخواهی رهبر شهید صرفاً یک مطالبه داخلی نیست و در عرصه سیاست خارجی نیز مورد تأکید قرار دارد. نکته قابل توجه آن است که این کمرنگ شدن صرفاً در سطح سخنرانی‌ها و مصاحبه‌ها مشاهده نمی‌شود. مرور

مواضع مقامات ارشد کشور نیز نشان می‌دهد که طی هفته‌های اخیر، نشانی از تأکید بر خونخواهی رهبر شهید در حساب‌های رسمی آنان دیده نمی‌شود. این مسئله درباره محمد باقر قالیباف و عباس عراقچی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند؛ دو چهره‌ای که پیام‌ها و مواضع آنها در عرصه بین‌المللی و در شبکه «ایکس» به طور گسترده بازنشر می‌شود و معمولاً بازتاب رسانه‌ای قابل

توجهی دارد. در حالی که این دونفر در روزهای نخست پس از شهادت رهبر انقلاب از انتقام و خونخواهی سخن گفته بودند، غیبت این موضوع در مواضع اخیر آنان پرسشی را ایجاد می‌کند که آیا خونخواهی رهبر شهید همچنان یک اولویت سیاسی و تبلیغاتی در دستگاه رسمی کشور محسوب می‌شود یا خیر؟ این تحول زمانی معنادارتر می‌شود که به سابقه جمهوری اسلامی در مواجهه با پرونده‌های مشابه نگاه کنیم. در موضوع شهدای هسته‌ای، در ماجرای ترور سردار شهید قاسم سلیمانی و حتی در پرونده‌هایی با اهمیت کمتر، ادبیات انتقام و خونخواهی برای سال‌ها در تریبون‌های رسمی کشور تکرار می‌شد و به بخشی از حافظه سیاسی نظام تبدیل شده بود. اما اکنون درباره شهادت عالی‌ترین مقام دینی و سیاسی کشور، چنین حضوری در گفتار رسمی مشاهده نمی‌شود.

البته مسئله صرفاً انتقام نیست. حتی اگر مسئولان کشور به هر دلیل تشخیص داده باشند که زمان یا شیوه پاسخ به این جنایت باید محرمانه و خارج از فضای رسانه‌ای باشد، باز هم این پرسش پابرجاست که چرا حساسیت نسبت به چنین حادثه‌ای با این سرعت از گفتمان رسمی کنار رفت؟ سخن گفتن



از مطالبه عدالت و یادآوری مسئولیت عاملان این جنایت، الزاماً به معنای اقدام نظامی فوری نیست؛ بلکه بخشی از حفظ بازاریابی سیاسی و روانی کشور محسوب می‌شود. اما به نظر می‌رسد حساسیت‌زدایی از این امر مهم در خدمت اهداف دیگری قرار دارد. چرا که مطالبه خون رهبر شهید با مذاکره مستقیم با قاتلان آقای شهید همخوانی چندانی با هم ندارند.

رهبر شهید انقلاب طی سال‌های گذشته مهم‌ترین پشتوانه سیاسی دولت‌ها و مسئولان کشور بود. او در مقاطع مختلف، حتی در اوج اختلافات سیاسی داخلی، از مسئولان و نهادهای رسمی حمایت کرد و بارها خواستار پرهیز از تخریب و توهین به مقامات کشور شد. از همین رو، برای بخشی از افکار عمومی این پرسش مطرح است که چرا موضوع خونخواهی چنین شخصیتی تنها در روزهای نخست مورد تأکید قرار گرفت و سپس به حاشیه رفت. در هیچ کشوری حذف تدریجی حساسیت نسبت به ترور یا شهادت عالی‌ترین مقام سیاسی و دینی، بیک اتفاق عادی تلقی نمی‌شود. حتی اگر پاسخ نهایی سال‌ها بعد داده شود، اصل مطالبه و یادآوری آن معمولاً از گفتمان رسمی حذف نمی‌شود. زیرا فراموش شدن یک جنایت، هزینه سیاسی آن را برای دشمن کاهش می‌دهد

خبر کوتاه

روایت فرمانده سپاه تهران بزرگ از مؤلفه‌های قدرت در ایران

سردار حسن حسن‌زاده، فرمانده سپاه محمد رسول (ص) تهران بزرگ، در گفت‌وگویی با اشاره به مؤلفه‌های قدرت جمهوری اسلامی ایران اظهار داشت: همان‌گونه که امام خمینی (ره) تأکید داشتند، مردم از این نظام جدا نیستند و همین پیوند عمیق میان مردم و نظام، یکی از مهم‌ترین ارکان اقتدار کشور به شمار می‌رود. وی افزود: قدرت دفاعی و موشکی، توانمندی‌های اعتقادی و معنوی و همچنین برخورداری از پشتیبانی مردمی، از جمله مهم‌ترین مؤلفه‌های قدرت جمهوری اسلامی هستند. سردار حسن‌زاده خاطر نشان کرد: اگر میدان نبرد، حضور مردم در صحنه و مدیریت کشور در عرصه‌های مختلف را سه ضلع اصلی در نظر بگیریم، قاعده و پایه این مثلث مردم هستند. تازمانی که مردم در میدان حضور دارند این ملت شکست‌ناپذیر خواهد بود.

طلایی‌نیک: در جنگ رمضان ۱۶ برابر جنگ ۱۲ روزه، پهباد منهدم کردیم

سخت‌گویی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح با اشاره به توان پدافندی کشور تصریح کرد: خوشبختانه با ارتقای فناوری و بهره‌گیری تکنیکی و تاکتیکی نیروهای مسلح با پشتیبانی وزارت دفاع، ارتش و سپاه توانستند تقریباً بیش از ۱۶ برابر جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، در همین ۴۰ روز دفاع رمضان، پیشرفته‌ترین پهپادها را منهدم کنند. ما در پدافند ضد پهپادهای تهدیدآمیز نظامی، روند بسیار پرشتاب و پر قدرتی را در پدافند ارتفاع پایین داریم.

سلیمی: طرح مجلس برای تنگه هرمز در حال چکش‌کاری است

عضو هیأت رئیسه مجلس شورای اسلامی گفت که به زودی طرح اعمال مدیریت و حاکمیت ایران بر تنگه هرمز در مجلس تصویب و قانونی خواهد شد. وی افزود: طرح اعمال مدیریت و حاکمیت ایران بر تنگه هرمز به زودی در مجلس تصویب شده و ان‌شاءالله صورت یک قانون دائمی به تصویب خواهد رسید. این موضوع تصمیم قطعی مجلس است و به زودی نهایی خواهد شد. در حال حاضر نیز چکش‌کاری‌های نهایی و گفت‌وگوهای لازم درباره آن در حال انجام است. نماینده تهران در مجلس تأکید کرد: کل تنگه هرمز در آب‌های سرزمینی ایران و عمان قرار دارد و حتی نقطه‌ای از آن در آب‌های آزاد نیست بنابراین فقط ایران و عمان می‌توانند درباره نحوه مدیریت آن تصمیم‌گیری کنند و هیچ کشور دیگری حتی کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس، در این زمینه حقی ندارند.

هلاکت ۲ تروریست

در درگیری مسلحانه با مرزبانان

فرمانده مرزبانی فراجا اعلام کرد: شامگاه جمعه تعدادی از عناصر گروهک‌های معاند قصد حمله به یکی از یگان‌های مرزبانی در شهرستان چالدران را داشتند که با هوشیاری و آمادگی عملیاتی و میدانی مرزبانان در اجرای نقشه خود ناکام ماندند. همچنین بیان شد: در جریان این درگیری مسلحانه، ۲ نفر از اعضای این گروهک به هلاکت رسیدند و بررسی‌های فنی در مرز، نشانگر زخمی شدن تعدادی دیگر از این اعضا و متواری شدن به خاک کشور مقابل می‌باشد.

عدلیه

توقیف اموال ۳۴ عنصر خائن به کشور

دادگستری خراسان جنوبی اعلام کرد: اموال ۳۴ عنصر حامی دشمن آمریکایی-صهیونی و خائن به کشور با دستور قضایی به نفع مردم توقیف شد. همچنین تأکید شد: تمامی اقدامات قانونی جهت شناسایی، توقیف اموال منقول و غیرمنقول و نیز حساب‌های بانکی این افراد انجام شده و تاکنون تعدادی ملک ثبتی و آپارتمان، خودروی سواری، حساب‌های بانکی و چند وسیله ارزشمند دیگر توقیف شده است.

عدد خبر ۲۰ درصد

بلمبرگ نوشت: قیمت برنج در آسیا در ماه مه ۲۰۲۶ بزرگ ترین جهش ماهانه خود را طی دو دهه اخیر ثبت کرد و ممکن است باز هم افزایش یابد؛ زیرا ریسک های آب و هوایی و افزایش هزینه های انرژی و کود شیمیایی ناشی از جنگ علیه ایران، تولید را تهدید می کند. بر اساس گزارش بلومبرگ، برنج سفید تایلند که یکی از شاخص های معیار در آسیاست، در ماه مه ۲۰ درصد گران شد که بیشترین افزایش ماهانه از سال ۲۰۰۸ بوده است. قراردادهای آبی برنج در بورس شیکاگو نیز این ماه ۱۵ درصد جهش داشت. عرضه سوخت و کود همچنان به دلیل وضعیت تعطیلی تنگه هرمز مختل است و کشاورزان در آسیا، خود را آماده کرده اند تا هزینه های بالای نهاده ها کم کم بر تولید برنج اثر بگذارد.

عدد خبر ۱۱۳۰ میلیارد تومان

رئیس سازمان چای کشور با بیان اینکه کارخانجات فرآوری چای تاکنون ۱۱۳۰ میلیارد تومان از مطالبات چایکاران را پرداخت کرده اند، اعلام کرد: این رقم تقریباً ۸۳ درصد سهم کارخانجات را شامل می شود. از سهم دولت نیز به زودی ۱۰۰ میلیارد تومان پرداخت خواهد شد که به محض دریافت، اولین پرداخت ها به چایکاران انجام می شود. حبیب جهانسان افزود: تاکنون هزار و ۸۲۵ میلیارد تومان برگ سبز به کارخانجات تحویل داده شده که ۴۵۶ میلیارد تومان آن، معادل ۲۵ درصد کل مبلغ، را باید دولت بپردازد و ۷۵ درصد، برابر با هزار و ۳۶۹ میلیارد تومان، بر عهده کارخانجات است. در حال حاضر ۱۶۷ کارخانه قرارداد دارند و با پایان خرید چین اول، پیش بینی می شود چین دوم طی ۱۵ روز آینده آغاز شود.

عدد خبر ۲ هفته

دولت حدود دو ماه است که پول گندمکاران را پرداخت نکرده است. کشاورزان از آغاز برداشت فروردین (ماه) تاکنون ۱.۸ میلیون تن گندم به ارزش ۹۰ هزار میلیارد تومان را به سیلوهای دولتی تحویل داده اند، اما هنوز ریالی دریافت نکرده اند. در همین حال، فارس به نقل از یک منبع آگاه در وزارت جهاد کشاورزی از خروج گندم از مرز به بازار عراق خبر داد و نوشت: گندم کشاورزان در بازار عراق به قیمت کیلویی ۸۰ هزار تومان فروخته می شود، یعنی ۳۲ هزار تومان بالاتر از نرخ تضمینی. در آخرین نشست به ریاست رئیس جمهور، سازمان برنامه و بودجه مکلف به پرداخت ۹۰ همت پول گندمکاران شد، اما با گذشت دو هفته هنوز خبری از پرداخت نیست.

عدد خبر ۳۵ درصد

بانک مرکزی اعلام کرد: تسهیلات پرداختی بانک ها در فروردین امسال به ۵۴۸۱.۵ هزار میلیارد ریال رسید که در مقایسه با دوره مشابه سال قبل، ۱۴۳۵.۷ هزار میلیارد ریال (۳۵.۵ درصد) افزایش داشته است. ۴۵۴۹.۲ هزار میلیارد ریال (۸۳ درصد) به صاحبان کسب و کار (حقوقی و غیرحقوقی) و ۹۳۲.۲ هزار میلیارد ریال (۱۷ درصد) به مصرف کنندگان نهایی (خانوار) تعلق گرفته است. سهم تسهیلات پرداختی در قالب سرمایه در گردش در فروردین ماه، ۳۸۲۲.۹ هزار میلیارد ریال، معادل ۸۴ درصد کل تسهیلات پرداختی به صاحبان کسب و کار است. سهم تسهیلات پرداختی در قالب قرض الحسنه ضروری به مصرف کننده نهایی (خانوار)، مبلغ ۴۲۱ هزار میلیارد ریال، معادل ۴۵.۲ درصد از کل تسهیلات پرداختی به مصرف کنندگان نهایی (خانوار) است.

نوبنیاد گزارش می دهد:

سرنوشت نامعلوم ۷۰۰ همت بسته حمایتی از تولید

دی ماه سال گذشته و پس از اجرای سیاست تک نرخی شدن ارز و حذف ارز ترجیحی بود که دولت از تصویب یک بسته حمایتی ۷۰۰ هزار میلیارد تومانی برای جبران آثار این سیاست بر تولیدکنندگان خبر داد. هدف این بسته، حمایت از واحدهای تولیدی بود که پس از تصمیم ارزی دولت، هزینه های آن ها به شدت افزایش پیدا کرد و قرار شد این بسته، شوک و التهاب ناشی از این سیاست ارزی دولت را جبران کند.

نرخ ارز ناشی از انتقال کالا از ارز ترجیحی و تالار اول به تالار دوم، با کسری سرمایه در گردش مواجه شوند، مشمول حمایت می شوند.

واحدهای مشمول سه برابر شد!

البته سخنگوی وزارت صمت، به تازگی، تعداد واحدهای مشمول بسته حمایتی را ۱۲ هزار واحد عنوان کرد. زارعی بیان کرد: وزارت صمت به دنبال راستی آزمایی دقیق است تا از «جایگزینی منابع» جلوگیری کرده و اطمینان یابد که این نقدینگی، به طور ویژه، گره گشای تأمین مواد اولیه واحدهای تولیدی در شرایط نوسانات ارزی بوده است. او اعلام کرد: این پایش به صورت مستمر ادامه خواهد یافت تا ۱۲ هزار واحد تولیدی معرفی شده بتوانند با دریافت نقدینگی مناسب، ثبات تولید خود را در برابر فشارهای ارزی حفظ کنند.

اعتراض به اجرای نشدن وعده ها

پس از اعلام خبر بسته حمایتی ۷۰۰ همتی، مقامات دولت هیچ گزارشی از عملکرد خود در اجرای این وعده ارائه نکردند؛ تا جایی که حسن صمدزاده، رئیس اتاق بازرگانی ایران، در اعتراض به عملی نشدن این وعده، زبان به اعتراض گشود. صمدزاده هفته گذشته گفت: تسهیلات ۷۰۰ همتی حمایت از تولید فعلاً بیشتر در حد حرف باقی مانده است تا یک حمایت محسوس و ملموس برای تولیدکنندگان.

در آخرین روز اردیبهشت امسال، مهدی صحابی، مدیرکل عملیات پولی و اعتباری بانک مرکزی، اعلام کرد که شبکه بانکی ۱۰۷۶ همت تسهیلات برای حمایت از تولیدکنندگان متأثر از سیاست ارزی جدید دولت پرداخت کرده که این عملکرد، راتر از سقف مصوب (۷۰۰ همت) برای مشمولان بوده است. محمدرضا مرزوقی، رئیس کانون انجمن های صنایع غذایی، هم به تازگی از محقق نشدن وعده تسهیلات ۷۰۰ همتی گلایه کرد و گفت: رئیس جمهور، وزیر جهاد کشاورزی و وزیر صمت شخصاً ما را دعوت کردند و گفتند ۷۰۰ همت برای تعیین خسارات جنگ ۱۲ روزه به ما می دهند؛ تا الان هنوز یک قیران به ما ندادند. با وجود گلایه فعالان اقتصادی از عملی نشدن وعده تسهیلات ۷۰۰ همتی، مقامات دولت همچنان نسبت به این اعتراض ها واکنشی نشان نداده و توضیحی درباره اجرای بسته مصوب خود نمی دهند.



حمید کمار روزنامه نگار



بسته ۷۰۰ همتی در ابهام؛ اتاق ایران بی اطلاع

محمود تولایی، رئیس کمیسیون مالیات، کار و تأمین اجتماعی اتاق ایران: ما هیچ اطلاعی از نحوه اجرای بسته ۷۰۰ همتی حمایت از تولید که سال گذشته به تصویب دولت رسید، نداریم و در جلسات متعدد اتاق ایران پیگیر آن بوده ایم، اما هنوز هیچ تخصیص عملیاتی برای آن انجام نشده است.

بر اساس مصوبه و دستورالعمل «بسته حمایت از صنایع» که دی ماه سال گذشته توسط معاون اول رئیس جمهور ابلاغ شد، اشخاص حقیقی و حقوقی مشمول می توانند از تأمین مالی تا سقف ۷۰۰ هزار میلیارد تومان (در مجموع برای کل صنایع) از منابع داخلی بانک ها بهره مند شوند و تولیدکنندگانی که قیمت مواد اولیه آن ها تحت تأثیر تغییر نرخ ارز قرار گرفته است، مجاز به استفاده از اوراق گام ویژه برای خرید ارز از مرکز مبادله و جبران اختلاف نرخ هستند.

هفدهم دی ماه ۱۴۰۴ و تنها چند روز پس از اجرای سیاست حذف ارز ترجیحی، فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت، اعلام کرد: بسته حمایتی دولت از صنایع و واحدهای تولیدی شامل ۷ بند است و هدف اصلی آن، حمایت از واحدهای تولیدی درگیر در فرآیند تولید است؛ به ویژه با توجه به انتقال کالاهایی که از ارز ترجیحی استفاده می کردند، تا مشکلی در تأمین کالاهای ایجاد نشود. او گفت: در این راستا، ۷۰۰ همت در نظر گرفته شده تا سرمایه در گردش و نقدینگی مورد نیاز از طریق تسهیلات و ابزارهای مالی زنجیره تولید، از جمله اوراق گام الکترونیک و اعتبارات اسنادی، تأمین شود. وزارتخانه های صمت، راه و شهرسازی و کشاورزی مسئول اجرای این بسته و اقدامات مربوط به آن خواهند بود. احمد میدری، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، نیز همان روز در حاشیه جلسه هیئت دولت اعلام کرد: برای حمایت از صنایع و حفظ پایداری تولید، تأمین مالی از مسیر اوراق گام، تسهیلات بانکی و تقویت سرمایه بانک های تخصصی در دستور کار دولت قرار گرفته است.

جزئیات بسته ای که اجرا نشد!

یک ماه بعد و در میانه بهمن ماه، معاون برنامه ریزی، نوآوری و هوشمندسازی وزیر

صمت، جزئیات این بسته حمایتی را تشریح کرد. سعید شجاعی گفت: در مجموع، چهار گروه از واحدهای تولیدی مشمول این ۷۰۰ همت می شوند. گروه نخست، واحدهای هسته که بر اساس سازوکار ۹۰، ۱۰۰، ۹۰ درصد کالای خود را ترخیص کرده اند، ۱۰ درصد باقی مانده را تسویه نکرده اند و در این فاصله، محصول خود را به فروش رسانده اند و اکنون برای تسویه نهایی، نیازمند سرمایه در گردش هستند که هنوز فهرست آن ها از سوی گمرک به ما ارسال نشده است. وی ادامه داد: گروه دوم، واحدهای تولیدی هستند که از تالار اول به تالار دوم منتقل شده اند یا از ارز ترجیحی استفاده می کردند که غالباً مربوط به وزارت جهاد کشاورزی است؛ بخشی از این واحدها قبلاً شناسایی شده اند و فهرست جاماندگان نیز در حال تکمیل و ارسال است. معاون وزیر صمت گفت: گروه سوم، عمدتاً شامل واحدهای کوچک و متوسط است که مواد اولیه خود را از بورس کالا تأمین کرده اند و به دلیل افزایش قیمت ها و کاهش تاب آوری مالی، در معرض اختلال در تولید قرار دارند. گروه چهارم نیز واحدهایی هستند که مواد اولیه و قطعات خود را از بازار و بازرگانان تأمین کرده اند و به صورت غیرمستقیم تحت تأثیر سیاست ارزی جدید قرار گرفته اند. وی افزود: تمامی این واحدها پس از بررسی تخصصی و صحت سنجی توسط دفاتر تخصصی وزارت صمت معرفی خواهند شد تا از بروز انحراف در تخصیص منابع جلوگیری شود.

عزت‌الله زارعی، سخنگوی وزارت صنعت، معدن و تجارت، از معرفی حدود ۳ هزار و ۵۰۰ واحد تولیدی و صنعتی برای بهره مندی از بسته حمایتی ۷۰۰ همتی دولت به بانک مرکزی خبر داد و اظهار داشت: فهرست واحدهای تولیدی در دو مرحله به بانک مرکزی ارسال شده است که در مرحله اول، ۲ هزار و ۴۸۶ واحد تولیدی و صنعتی معرفی شدند. سخنگوی وزارت صنعت، معدن و تجارت ادامه داد: در مرحله دوم نیز فهرست بیش از ۹۰۰ واحد اعلام شد. زارعی بیان داشت: این بسته حمایتی در راستای اصلاح سیاست های ارزی دولت بود و تولیدکنندگان، اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی، که برای واردات یا خرید مواد اولیه در طول زنجیره تأمین، به تشخیص وزارتخانه های متولی، با افزایش

روایت معاون پزشک‌های از ناترازی انرژی نشان می‌دهد؛

مقصرسازی به جای حل مسئله

معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان بهینه‌سازی و مدیریت راهبردی انرژی، روز گذشته با اعلام اینکه اصلاح قیمت حامل‌های انرژی در دستور کار دولت قرار ندارد، از مدل پاداش محور و انتفاع عمومی به عنوان جایگزین افزایش قیمت‌ها خبر داد. اسماعیل سقاب اصفهانی با بیان اینکه اصلاح

قیمت حامل‌های انرژی به دلیل شرایط اقتصادی و اجتماعی، فعلاً شدنی نیست، می‌گوید: در حوزه مصرف، متأسفانه در زمره بدترین کشورهای جهان قرار داریم که این امر منجر به افزایش ناترازی و عدم کشف تولید برای تقاضای داخلی شده است.



نیماسوهلی
روزنامه‌نگار

وقتی بخش بزرگی از نیروگاه‌های کشور راندمان پایینی دارند، شبکه انتقال برق فرسوده است، ساختمان‌ها عایق استاندارد ندارند، خودروهای داخلی مصرف سوخت بالایی دارند و صنایع قدیمی با فناوری چند دهه قبل فعالیت می‌کنند، طبیعی است که شدت مصرف انرژی افزایش پیدا کند. در چنین شرایطی، تقلیل بحران انرژی به توصیه‌هایی مانند «کشیدن دوشاخه از پریز» یا «کمتر گرم کردن نان» که از سوی معاون پزشک‌های مطرح شده، اگرچه از نظر فرهنگی مفید است، اما می‌تواند نوعی ساده‌سازی مسئله تلقی شود.

نکنه مهم دیگر، پیوندی است که سقاب اصفهانی میان صرفه‌جویی مردم و توان نظامی برقرار می‌کند. او می‌گوید اگر مصرف انرژی در تهران ۳۰ درصد کاهش یابد، منابعی آزاد می‌شود که می‌تواند صرف تجهیزات نظامی شود. این نوع استدلال، از منظر اقتصادی محل بحث جدی است. در شرایطی که تورم، کاهش قدرت خرید و فشار معیشتی ناشی از سیاست‌های ارزی و تصمیمات اقتصادی دولت، بخش بزرگی از خانوارهای کشور را تحت فشار قرار داده، افکار عمومی انتظار دارند منابع حاصل از صرفه‌جویی ابتدا صرف بهبود معیشت، توسعه حمل و نقل عمومی، نوسازی نیروگاه‌ها و حمایت از تولید شود، نه اینکه صرفاً با ادبیات امنیتی و نظامی برای مردم توجیه شود.

رقم واردات بنزین چقدر است؟

از سوی دیگر، سخنان معاون پزشک‌های درباره واردات بنزین نیز بخشی از واقعیت را بیان می‌کند، اما همه حقیقت نیست. البته مصرف بنزین در کشور بالاست و فاصله تولید و مصرف، هزینه ارزی سنگینی به دولت تحمیل می‌کند، اما چرا مصرف بالا رفته است؟ پاسخ فقط در «فرهنگ مصرف» نیست. توسعه نامتوازن شهری، ضعف حمل و نقل عمومی، کیفیت پایین خودروهای تولید داخل، انحصار صنعت خودرو و نبود سیاست‌گذاری درست شهری نیز نقش کلیدی دارند.

مردم وقتی ناچارند با خودروهایی شخصی رفت و آمد کنند، نمی‌توانند صرفاً آنها را مقصر ناترازی بنزین دانست. در واقع، بحران انرژی ایران یک بحران چندلایه است که سه ضلع اصلی دولت، صنایع و مردم محور آن هستند. هر چند سقاب اصفهانی اعلام کرده که سال گذشته ۵.۵ میلیارد دلار صرف واردات بنزین شده، اما بررسی‌ها نشان می‌دهد که در یک سال گذشته، مسئولان دولت چهاردهم ارقام متفاوتی درباره نیاز کشور به واردات بنزین مطرح کرده‌اند. آذرماه سال ۱۴۰۴، مسعود پزشک‌های این رقم را ۴ میلیارد دلار اعلام کرد

و چند روز بعد، آن را به ۶ میلیارد دلار افزایش داد. با این حال دیوان محاسبات اعلام کرد که هزینه واردات بنزین تا پایان آذرماه سال گذشته ۱۰.۸ میلیارد دلار بوده است. سقاب اصفهانی دو هفته پیش نیز میزان مصرف بنزین را ۱۳.۵ میلیون لیتر در روز اعلام کرده بود که دیروز آن را به ۱۴ میلیون لیتر رساند. وقتی درباره نیاز کشور به واردات بنزین ارقام مختلفی اعلام می‌شود و آمار دقیقی وجود ندارد، چگونه می‌توان تصمیم‌گیری کرد و مردم را مقصر دانست؟ کشور طی دهه‌های گذشته به دلیل قیمت‌گذاری ناکافی در زیرساخت‌ها و تأخیر در اصلاحات ساختاری، سهم بزرگی در ایجاد وضعیت فعلی داشته است. دولت و سازمان بهینه‌سازی و مدیریت راهبردی انرژی، بدون آنکه فشار تورمی جدیدی به مردم وارد شود، باید با در راستای بهینه‌سازی مصرف تصمیم‌گیری کنند. آیا امروز دولت برنامه‌ای برای کاهش مصرف بنزین خودروهای تولید داخل دارد؟ در حوزه توسعه حمل و نقل عمومی برنامه چیست؟

نقش صنایع در اتلاف انرژی کجاست؟

صنایع نیز سهم مهمی در اتلاف انرژی دارند. بسیاری از صنایع بزرگ کشور، انرژی بر و کم بازده هستند. بخشی از صنایع فولاد، سیمان و پتروشیمی کشور با فناوری قدیمی فعالیت می‌کنند و به دلیل انرژی ارزان، انگیزه کافی برای افزایش بهره‌وری نداشته‌اند. در حقیقت، پارانه پنهان انرژی در مواردی به جای آنکه به رفاه عمومی منجر شود، به سود صنایع غیرقانونی و پرمصرف تمام شده است. یکی از بخش‌های قابل تأمل سخنان سقاب اصفهانی، مخالفت او با افزایش قیمت حامل‌های انرژی و حرکت به سمت «مدل پاداش محور» است. این ایده از نظر تئوریک می‌تواند جذاب باشد؛ یعنی به جای فشار مستقیم بر مردم، کسانی که کمتر مصرف می‌کنند پاداش بگیرند، اما اجرای چنین طرحی با چند مانع روبه‌روست. نخست اینکه دولت با کسری بودجه مواجه است و مشخص نیست منابع مالی این پاداش‌ها چگونه تأمین خواهد شد و در این زمینه طرح دولت اعلام نشده است. دوم اینکه در شرایط تورمی، هرگونه اصلاح قیمتی یا سیاست تشویقی اگر بدون اعتماد عمومی اجرا شود، با مقاومت جامعه مواجه خواهد شد. تجربه‌های قبلی، مانند افزایش قیمت بنزین در سال ۱۳۹۸، نشان داد که سیاست‌های انرژی بدون اعتمادسازی و شفافیت، به نتیجه مطلوب نمی‌رسند.

موج خیر

روز متفاوت بورس؛ ۹۹ درصد نمادها سبزپوش شدند

بازار سهام، هفته دوم خرداد را سبزپوش آغاز کرد و همه شاخص‌های بازار، دیروز (شنبه، ۹ خرداد ۱۴۰۵)، با روندی افزایشی همراه بودند. بازار سهام دیروز یکی از متفاوت‌ترین روزهای معاملاتی خود را پشت سر گذاشت و برای نخستین بار در تاریخ بورس ایران، در بخشی از ساعات معاملات، هیچ نمادی در محدوده منفی قرار نگرفت. با این حال، در مجموع ۹۹ درصد بازار، معادل ۷۸۰ نماد، در محدوده مثبت و فقط یک درصد بازار، معادل ۴ نماد، در محدوده منفی معامله شدند. مجموع ارزش معاملات بازارهای بورس و فرابورس به محدوده ۱۹۰ همت رسید و ارزش کل بازارهای سهام ایران، شامل بورس، بازار پایه و فرابورس نیز در محدوده ۱۴ هزار و ۴۶۴ همت قرار گرفت. شاخص کل بورس تهران در پایان معاملات، به ۴ میلیون و ۱۵۳ هزار و ۳۷۶ واحد رسید. شاخص هم‌وزن نیز با ۲.۵۹ درصد رشد (۲۷ هزار و ۷۹۶ واحد) در محدوده یک میلیون و ۱۰۱ هزار و ۲۸۶ واحد ایستاد. معامله‌گران در بورس تهران بیش از ۳۳.۷ میلیارد سهم و حق تقدم را در قالب ۳۲۲ هزار معامله و به ارزش ۲۶ هزار و ۹۷۹ میلیارد تومان دادوستد کردند. شاخص کل فرابورس ایران نیز با افزایش ۶۸۴ واحدی، رقم ۳۲ هزار و ۱۴۲ واحد را ثبت کرد. معامله‌گران در فرابورس نیز بیش از ۱۲.۶ میلیارد سهم و اوراق مالی را در قالب ۱۹۳ هزار نوبت معامله و به ارزش ۱۷۷ هزار و ۷۵۴ میلیارد تومان دادوستد کردند. بر اساس داده‌های سازمان بورس در معاملات دیروز، ارزش کل معاملات خرد سهام و صندوق‌های سهامی به ۹ هزار و ۷۸۱ میلیارد تومان رسید. همچنین بیش از ۴ هزار و ۹۶۰ میلیارد تومان پول توسط سهامداران حقیقی به بازار سهام و حق تقدم وارد شد و بیشترین خروج پول را از صندوق‌های با درآمد ثابت شاهد بودیم. صندوق‌های طلا نیز دیروز در محدوده ۵.۰۷ تا ۱.۷ درصد منفی به خط پایان رسیدند. دیروز به ازای حدود ۹.۵ همت معامله، حدود ۹۰۰ میلیارد تومان نقدینگی حقیقی از طلاها خارج شد. صندوق‌های نقدینگی حقیقی از محدوده ۱.۲ تا ۳.۲ درصد منفی و با تراز مثبت ۲۸۲ میلیارد تومان، به ازای ۱.۳ همت معامله، کار را تمام کردند. کارشناسان بازار سرمایه معتقدند سبزی‌پوشی کامل بازار، علاوه بر جنبه روانی، نشان‌دهنده افزایش سطح تقاضا در اغلب گروه‌های بورسی است؛ موضوعی که در صورت تداوم، می‌تواند به تقویت روند صعودی بازار در روزهای آینده منجر شود.

بیش از نیمی از ایرانیان خوش حساب‌اند

بر اساس گزارشی که دیروز منتشر شد، حدود ۱۵ درصد مردم ایران بد حساب‌اند و بیش از ۵۰ درصد مردم ایران خوش حساب‌اند؛ با این حال، اکثر بانک‌ها حتی به خوش حساب‌ها نیز با ۳ ضامن وام می‌دهند. خبرگزاری فارس در این باره نوشت: از حدود ۵۳ میلیون ایرانی بالای ۱۸ سال که اعتبارسنجی شده‌اند، ۲۸ درصد در رتبه A و ۳۰ درصد در رتبه B قرار دارند. سایر افراد نیز شامل حدود ۲۵.۲ درصد در رتبه C، حدود ۱۱ درصد در رتبه D و ۴.۸ درصد در رتبه E هستند؛ این یعنی بیش از ۵۰ درصد مردم ایران جزو افراد خوش حساب محسوب می‌شوند که برای دریافت وام، هیچ مشکلی نخواهند داشت. بیش از این، رئیس سابق بانک مرکزی گفته بود که طبق مقررات بانک مرکزی، برای دریافت وام خرد فقط یک ضامن کافی است؛ با این حال، بانک‌ها همچنان از افراد با رتبه اعتباری بالا نیز ۲ تا ۳ ضامن درخواست می‌کنند. در حال حاضر، بانک‌ها برای اعطای دسته‌چک باید حتماً گزارش اعتبارسنجی را مبنای قرار دهند، اما مبنای قرار دادن این گزارش برای پرداخت تسهیلات الزامی نیست. سابقه بد حسابی، مانند عدم پرداخت اقساط یا عدم وصول چک، نیز به مدت ۶ ماه در پرونده اعتبارسنجی افراد باقی می‌ماند و پس از آن، در صورت پرداخت، از سابقه افراد پاک خواهد شد.

راه کاهش مصرف گاز از نوسازی می‌گذرد

حبیب‌الله ظفریان، عضو هیئت‌علمی مرکز پژوهش‌های مجلس؛ مسئولان ما تصویر می‌کنند که اگر رفتار مصرفی مردم در حوزه گاز اصلاح شود، تحول بزرگی رخ می‌دهد؛ اما این اقدام در مجموع تنها می‌تواند ۱۰ درصد از مصرف گاز خانگی بکاهد. این در حالی است که ۸۰ درصد مصرف گاز خانگی مربوط به ۵ پله اول است که از نظر شرکت گاز، مطابق با الگوی مصرف هستند؛ بنابراین برای کاهش ۳۰ درصدی مصرف، باید تجهیزات آنها، برای مثال بخاری‌ها، نوسازی شود.

بین الملل

پاکستان: به توافق ابراهیم ملحق نمی شویم

محمد اسحاق دار، معاون نخست وزیر و وزیر امور خارجه پاکستان پس از دیدار با مارکو روبيو، وزیر امور خارجه آمریکا در واشنگتن، تأکید کرد که موضع پاکستان درباره فلسطین و نوار غزه همچنان بر حمایت از تشکیل کشور مستقل فلسطین استوار است. وی در سخنانی در سفارت پاکستان در واشنگتن، در پاسخ به پرسشی درباره درخواست دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا از کشورهای مسلمان از جمله پاکستان برای بررسی پیوستن به توافق های ابراهیم، گفت که پاکستان به این طرح ملحق نمی شود و اسلام آباد در جریان رایزنی های اخیر خود در سازمان ملل متحد نیز همین موضع را اعلام کرده است. اسحاق دار تصریح کرد که هرگونه تغییر در رویکرد پاکستان نسبت به رژیم صهیونیستی منوط به تشکیل کشور مستقل فلسطین خواهد بود. وی در ادامه از ارائه جزئیات مربوط به تلاش های میانجی گرانه پاکستان خودداری کرد و گفت که به دلیل ایفای نقش میانجی، این رایزنی ها ماهیتی محرمانه دارند. این موضع گیری در شرایطی مطرح می شود که طی سال های اخیر گمانه زنی های متعددی درباره احتمال تغییر رویکرد برخی کشورهای اسلامی نسبت به رژیم صهیونیستی و گسترش دامنه توافق های ابراهیم مطرح بوده است. با این حال، تأکید مجدد مقام های پاکستانی بر مشروط بودن هرگونه عادی سازی روابط به تشکیل کشور مستقل فلسطین، نشان دهنده تداوم سیاست اسلام آباد در قبال این پرونده است.



کوبا قرار است به سرنوشت ونزوئلا دچار شود؟

جنگ برای پاک کردن ننگ

بسیاری در جهان برآنند که حالا که ترامپ و ارتشش توسط ایران «تحقیر» و شکست استراتژیکی متحمل شد، ممکن است برای جبران وجهه نداشتن خود به دنبال خلق یک پیروزی کم ارزش باشد و آن پیروزی احتمالاً کوبا خواهد بود. به باور گاردین، یک شکست برای ابرقدرت نه تنها این ابر قدرت را عقب نمی زند، بلکه اصولاً آن را خطرناک تر می کند و همین سرنوشت ممکن است برای آمریکا هم مقدر باشد.

آن قدر که تصور می کند قرار نیست راحت پیش برود «مسلماً کوبا از توانمندی های نظامی، یا حتی مزیت های جغرافیایی قابل مقایسه با ایران برخوردار نیست. اگر واشنگتن واقعاً بخواهد یک جزیره یازده میلیون نفری از نظر اقتصادی ویران شده را مورد تهاجم قرار داده و اشغال کند، از پس آن برمی آید. اما این بدان معنا نیست که هیچ جنگ و مقاومتی در کار نخواهد بود. جالب توجه است که وقتی ایالات متحده در ماه ژانویه به کاراکاس حمله کرد، ۳۲ سرباز کوبایی در جریان مقاومت کشته شدند. اگر سربازان کوبایی حاضر بودند برای ونزوئلا چنین فداکاری ای بکنند، برای دفاع از حاکمیت ملی کشور خودشان چه خواهند کرد؟»

نکته مهم آن است که گاردین برآن است که ترامپ یک برتری به نسبت دیگر روسای جمهور آمریکا دارد و آن هم این است که اغراض خود را به اسم حقوق بشر و آزادی سازی فاکتور نمی کند «ترامپ یک برتری نسبت به رؤسای جمهور پیشین آمریکا دارد: او تظاهر نمی کند که دغدغه آزادی سازی سایر ملت ها را دارد. جنگ ایالات متحده علیه کوبا، صرفاً ناشی از طمع ورزی و عطش جبران تحقیر آمریکا خواهد بود. سود و منفعت این جنگ به جیب نخبانان آمریکایی سرازیر خواهد شد، اما آنچه برای مردم عادی کوبا باقی می ماند، چیزی جز ویرانی نیست.»

واشنگتن با زبانی صریح و بی پرده به سمت ماجراجویی تازه ای در کارائیب می رود؛ ماجراجویی ای که اگرچه ممکن است با اتکا به برتری نظامی پیش برود، اما بی تردید با مقاومت، هزینه های انسانی و ویرانی گسترده همراه خواهد شد.

برده پوشی شبیه به یک دولت استعمارگر قرن نوزدهمی رفتار می کند «ترامپ اصلاً قصد ندارد نیت خود را پنهان کند. او در ماه مارس، در اظهاراتی که یادآور استعمارگران اروپایی قرن نوزدهم در زمان تکه پاره کردن آفریقا بود، اعلام کرد: «من واقعاً بر این باورم که... افتخار تصرف کوبا نصیب من خواهد شد. فکر می کنم می توانم هر کاری که دلم می خواهد با آن بکنم.» چند روز پیش، ناویواس اس نیمیتز که قدیمی ترین ناو هواپیما بر نیروی دریایی ایالات متحده است، ظاهراً برای انجام یک آزمایش دریایی وارد دریای کارائیب شد.»

ایده مهم متن گاردین دقیقاً همین نقطه است که تحقیر یک ابرقدرت به عقب نشینی منجر نمی شود، بلکه آن را وحشی تر می کند «با توجه به اینکه به تعبیر فریدریش مرتس، صدراعظم آلمان، ایالات متحده توسط ایران «تحقیر» شده است، شاید گمان کنید که اشتباهی ترامپ برای درگیری کاهش یافته باشد. اما شکست لزوماً قدرت های رو به افول را مهار نمی کند؛ بلکه می تواند آن ها را خطرناک تر سازد. ترامپ و تیمش قطعاً خود را متقاعد کرده اند که فتح این جزیره در دریای کارائیب که نزدیک به هفت دهه در برابر واشنگتن ایستادگی کرده است، شاید بتواند لکه این شکست ها را پاک کرده و هیمنه برتری نظامی ایالات متحده را بازگرداند.»

نکته آن است که ماجراجویی دولت ترامپ



احسان میرباقری
روزنامه نگار

جنگ با کوبا، نتیجه جبران حقارت آمریکا

ترامپ یک برتری نسبت به رؤسای جمهور پیشین آمریکا دارد: او تظاهر نمی کند که دغدغه آزادی سازی سایر ملت ها را دارد. جنگ ایالات متحده علیه کوبا، صرفاً ناشی از طمع ورزی و عطش جبران تحقیر آمریکا خواهد بود.

گاردین از این نقطه آغاز می کند که سناریوی کوبا بسیار شبیه به سناریوی آغاز عملیات علیه ونزوئلا است «ایالات متحده اکنون رائل کاسترو، رئیس جمهور پیشین این کشور را به اتهام توطئه برای قتل شهروندان آمریکایی، چهار فقره قتل و دو فقره انهدام هواپیما در رابطه با سرنوشتی دو هواپیما در سال ۱۹۹۶ متهم کرده است. شواهد به شکل فزاینده ای یک جهت را نشان می دهند و همه این ها به طرز شومی یادآور کیفرخواست علیه نیکلاس مادورو، رئیس جمهور ونزوئلاست که برای توجیه بودن او توسط نیروهای آمریکایی مورد استفاده قرار گرفت.»

به باور گاردین دولت ترامپ بدون

یادداشت

آتش بس یا فرصت تنفس برای واشنگتن

محسن پوردادفر
روزنامه نگار

بررسی روند بازارهای جهانی و رفتار سیاست گذاران آمریکایی حاکی از آن است که ایالات متحده در حال بهره برداری از فرصت آتش بس برای بازسازی موقعیت خود و کاهش آثار فشارهای ناشی از بحران های اخیر است. یکی از مهم ترین نشانه های این وضعیت، کاهش تدریجی قیمت نفت در بازارهای جهانی است. در شرایطی که بسیاری انتظار داشتند نااطمینانی های ژئوپلیتیکی موجب تداوم رشد قیمت ها شود، بازار انرژی به سمت ثبات نسبی حرکت کرده است. این مسئله از منظر اقتصادی برای آمریکا چندان نامطلوب نیست. هر چند برخی تولیدکنندگان آمریکایی از قیمت های بسیار بالاتر سود بیشتری می برند، اما اقتصاد کلان آمریکا در سطوح قیمتی فعلی همچنان قابلیت سازگاری و مدیریت شرایط را دارد.

از سوی دیگر، نباید فراموش کرد که بخشی از صنعت نفت آمریکا، به ویژه تولیدکنندگان نفت شیل، در قیمت های بالاتر از حدود ۷۰ دلار به سودآوری قابل توجهی می رسند. به همین دلیل، سطح کنونی قیمت ها نه تنها تهدیدی جدی برای آمریکا محسوب نمی شود، بلکه در برخی بخش ها می تواند به حفظ انگیزه سرمایه گذاری و تداوم تولید کمک کند. در واقع، فاصله معناداری میان قیمت های فعلی و سطوحی وجود دارد که بتواند فشار واقعی و فراگیر بر اقتصاد آمریکا وارد کند.

همزمان، محدودیت ها و فشارهای اعمال شده بر حوزه حمل و نقل دریایی و تجارت مرتبط با ایران نیز ادامه دارد. این موضوع پرسش مهمی را پیش روی ناظران قرار می دهد: اگر قرار باشد فضای آتش بس صرفاً به فرصتی برای بازسازی موقعیت طرف مقابل تبدیل شود، منافع حاصل از آن برای ایران چه خواهد بود؟

واقعیت آن است که در هر مذاکره یا آتش بس، ابتکار عمل اهمیت تعیین کننده دارد. طرفی که صرفاً در موضع انتظار قرار گیرد، به تدریج ابتکار را از دست می دهد و اجازه می دهد طرف مقابل قواعد بازی را تعریف کند. از این منظر، ایران نیازمند آن است که با تکیه بر ظرفیت های اقتصادی، دیپلماتیک، نظامی، منطقه ای و حقوقی خود، مانع از شکل گیری این تصور شود که آمریکا بازیگر اصلی و تعیین کننده تمامی معادلات است.

همچنین هرگونه اقدام نظامی علیه حاکمیت و تمامیت ارضی کشورها، از منظر حقوق بین الملل، موضوعی قابل اغماض نیست و باید پاسخی درخور از جهت نظامی و حداقل در مجاری سیاسی، حقوقی و دیپلماتیک مورد پیگیری قرار گیرد. در کنار آن، هرگونه محدودیت بر آزادی کشتیرانی و تجارت بین المللی نیز نیازمند اقدام متقابل در این چارچوب و در کمترین مورد بررسی در چارچوب قواعد و نهادهای بین المللی است.

آنچه امروز اهمیت دارد، حفظ ابتکار عمل و جلوگیری از عادی سازی شرایطی است که تنها به بازسازی توان و موقعیت طرف مقابل منجر شود. آتش بس زمانی ارزشمند است که منافع متوازن ایجاد کند؛ در غیر این صورت، ممکن است به فرصتی برای تنفس یک طرف و فرسایش تدریجی اهرم های طرف دیگر تبدیل شود.

گزارشی از خسارت به نیروها و تجهیزات آمریکایی در کویت پس از حمله موشکی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در روزهای اخیر

سکوت میدان شکست

درگیری‌های هفته گذشته در محدوده تنگه هرمز و خلیج فارس اگرچه به آغاز یک جنگ تمام‌عیار منتهی نشد، اما بی‌تردید پرتنش‌ترین روزهای دوران آتش بس موقت را رقم زد. سلسله

حملات محدود آمریکا، پاسخ‌های شدیدتر ایران و افزایش تلفات و خسارات طرف مقابل، نشان داد نبرد اصلی نه در میدان جنگ کلاسیک، بلکه در «منطقه خاکستری» در جریان است.



محسن فرهمند

روزنامه‌نگار

کویت هدف موشک‌های ایرانی قرار گرفت. اکنون گزارش اختصاصی بلومبرگ تأیید کرده است که در جریان این حمله دست کم پنج نظامی آمریکایی زخمی شده‌اند. همچنین یک فروند MQ-۹ به طور کامل نابود و یک پهپاد دیگر نیز به شدت آسیب دیده است. این روند با ممداد شنبه ۹ خرداد نیز ادامه یافت؛ زمانی که پدافند هوایی ارتش در منطقه قشم یک فروند پهپاد «اوربیتور» آمریکایی-صهیونیستی را رهگیری و منهدم کرد. مرور رخدادها و هفته‌های اخیر تصویر روشنی ارائه می‌دهد؛ انهدام دو فروند MQ-۹ در آسمان ایران، نابودی یک MQ-۹ دیگر در یمن، سرنگونی چندین پهپاد اوربیتور، رهگیری و فراری دادن F-۴ و F-۳۵ و همچنین گزارش‌هایی از اعلام وضعیت اضطراری برای جنگنده‌های متجاوز، همگی نشان می‌دهد رینگ پدافندی جنوب کشور نه تنها ترمیم شده بلکه نیروهای مسلح ایران آمادگی خود را برای برخوردی سخت‌تر با هرگونه ماجراجویی زیرآستانه جنگ به نمایش گذاشته است.

تجربه عقب‌نشینی ترامپ در میانه جنگ

نمونه دیگری از کارآمدی راهبرد افزایش هزینه و پاسخ متقابل را می‌توان در واکنش آشفته و عقب‌نشینی دونالد ترامپ پس از حمله ایران به پایگاه بزرگ راس لفان قطر مشاهده کرد. حمله‌ای که در پاسخ به هدف قرار گرفتن بخشی از تأسیسات پارس جنوبی انجام شد و بلافاصله رئیس‌جمهور آمریکا را وادار کرد در موضعی تدافعی، از حمله اسرائیل به پارس جنوبی اعلام بی‌اطلاعی کند. ترامپ در توییتهای کم‌سابقه نه تنها تأکید کرد «آمریکا از این حمله مطلع نبوده» بلکه با عجله تلاش کرد قطرها نیز از هرگونه مسئولیت مبرا نشان دهد و همزمان وعده داد «حمله دیگری به پارس جنوبی انجام نخواهد شد». این موضع‌گیری، بیش از هر چیز نشان داد که وقتی پاسخ متقابل از سطح هشدارهای سیاسی فراتر رفته و هزینه‌های واقعی برای طرف مقابل و متحدانش ایجاد می‌کند، زنجیره تصعید تنش که دشمن طراحی کرده بود متوقف می‌شود و جای خود را به

پادزهر منطقه خاکستری

تحولات هفته گذشته در خلیج فارس و تنگه هرمز نشان داد که راهبرد آمریکا و رژیم صهیونیستی

فصله‌ای معنادار داشت. تجربه لبنان نیز مؤید همین واقعیت است که راهبرد «منطقه خاکستری» تنها زمانی متوقف می‌شود که هزینه تجاوز از منفعت آن بیشتر شود. طی ماه‌های گذشته، رژیم صهیونیستی بارها با حملات محدود و مستمر به خاک لبنان کوشیده است و وضعیتی مشابه آنچه امروز آمریکا در خلیج فارس دنبال می‌کند را تثبیت کند؛ یعنی تجاوز بدون جنگ و فشار بدون پرداخت هزینه. از همین رو، همان‌گونه که ایران در برابر حملات آمریکا و اسرائیل در جنوب کشور با پاسخ‌های مستقیم، موشکی و پدافندی مانع عادی‌سازی تجاوز شد، در لبنان نیز باید همین اصل مورد پیگیری قرار گیرد.

پیام فاتح؛ سکوت آمریکا

در این میان، سکوت معنادار دونالد ترامپ و بیت‌هگست در قبال حمله موشکی ایران نیز حامل یک پیام مهم است. همان‌قدری که با ادبیاتی تهدیدآمیز و اوباش‌گونه سخن می‌گویند، اکنون به خوبی می‌دانند هر خطای محاسباتی می‌تواند آتش درگیری را به تأسیسات نفتی، گازی و انرژی متحده آمریکا در منطقه بکشاند. به همین دلیل، پادزهر راهبرد فرسایشی «منطقه خاکستری» چیزی جز قاطعیت، بازدارندگی فعال و افزایش هزینه هر تجاوز نیست؛ نسخه‌ای که ایران در روزهای اخیر با زبان موشک و پدافند، آن را به نمایش گذاشت. این موضوع جدالی بر سر قواعد بازی آینده منطقه بود. آمریکا و رژیم صهیونیستی در پی آن هستند که تجاوزات زیرآستانه جنگ که در ادبیات روابط بین‌الملل به انجماد و وضعیت خاکستری معروف است را به یک واقعیت پذیرفته‌شده تبدیل کنند. افزایش هزینه تجاوز، از بندعباس تا قشم و از خلیج فارس تا پایگاه‌های آمریکایی منطقه، پیام واحدی مخابره می‌کند دوره حمله بدون هزینه به پایان رسیده است.

یادداشت

برجامی‌ها، تامین‌کننده جوهر نیویورک تایمز؟

امیر شهشهانی
روزنامه‌نگار

از آغاز جنگ تحمیلی سوم، یکی از قابل‌تأمل‌ترین تحرکات رسانه‌ای غرب در گزارش‌هایی رخ داده است که گرچه در رسانه‌ای آمریکایی منتشر می‌شوند اما ادبیات، کلیدواژه‌ها، سوژه‌سازی‌ها و حتی خطوط حمله آنها به طرز عجیبی یادآور همان گفتمانی است که سال‌ها از سوی طیفی خاص در داخل کشور، به ویژه جریان برجامی و دوم‌خردادی، تکرار شده است.

گزارش اخیر نیویورک تایمز درباره محمود احمدی‌نژاد بود. در این گزارش ادعا شد که رئیس‌جمهور اسبق ایران گزینه مطلوب آمریکا و اسرائیل برای ایفای نقشی مشابه «دل‌سی رودریگز ونزوتلایی» در ایران بوده است. حضور فرناز فصیحی، چهره شناخته‌شده نزدیک به نایاک و طیف نزدیک به محمدجواد ظریف، در کنار رونن برگمن که در فضای رسانه‌ای آمریکا به رپرتاژنویسی سیاسی شهرت دارد، از همان ابتدا پرسش‌هایی جدی درباره منشأ و هدف این روایت ایجاد کرد. ضعف استنادی، اتکای گسترده به منابع ناشناس و فاصله محسوس گزارش با استانداردهای حرفه‌ای مرسوم نیویورک تایمز نیز برای تردیدها افزود. مسئله اصلی احمدی‌نژاد نیست. واقعیت آن است که او سال‌هاست نه نقشی در سیاست ایران دارد و نه اثرگذاری جدی در معادلات اجتماعی کشور. بنابراین سؤال مهم‌ترین این است که چرا باید چنین حجم از آتش رسانه‌ای متوجه شخصیتی شود که در متن تحولات جاری حضور ندارد؟ پاسخ را باید در جای دیگری جست‌وجو کرد؛ در تلاش برای منحرف کردن افکار عمومی از مسیر واقعی نفوذ و انحراف کانون توجه از شبکه‌های شناخته‌شده آمریکا‌گرایی به سوژه‌های کم‌هزینه‌تر.

همین‌الگو در گزارش دیگری از نیویورک تایمز نیز تکرار شد؛ گزارشی که باز هم با نقش‌آفرینی فرناز فصیحی منتشر شد و این بار نام علی باقری‌کنی و ابراهیم عزیزی را در مرکز روایت خود قرار داد. گزارش به نقل از مقام‌های آمریکایی مدعی شد که «افراد» مانند ابراهیم عزیزی و علی باقری‌کنی مانع توافق هستند» و سپس تلاش کرد تصویری از یک جریان سازمان‌یافته مخالف مذاکرات در ساختار سیاسی ایران ارائه دهد.

در بخش دیگری از این گزارش آمده است که «علی باقری‌کنی تنها عضو شورای عالی امنیت ملی بود که از امضای نامه‌ای درباره ضرورت توافق با ترامپ خودداری کرد». نویسندگان همچنین به نقل از منابع ناشناس ادعا می‌کنند که او محتوای این نامه را در اختیار برخی نمایندگان مجلس قرار داده و زمینه رسانه‌ای شدن اختلافات را فراهم کرده است. نیویورک تایمز تلاش می‌کند باقری‌کنی را در قالب یک بازیگر مزاحم برای روند توافق به مخاطب معرفی کند.

جالب آنکه شگفتی این گزارش‌ها تنها محدود به ایران نماند. واکنش متعجبانه کریستین امانپور، خبرنگار سابقه‌ساز آن، به گزارش عجیب نیویورک تایمز نشان داد که حتی در فضای رسانه‌ای آمریکا نیز این دست روایت‌پردازی غیرعادی و پرسش‌برانگیز تلقی شده است. شاید به همین دلیل، مهم‌ترین نکته درباره این گزارش‌ها نه محتوای آنها، بلکه رد پای باشد که از برخی جریان‌های داخلی در جوهر آنها دیده می‌شود.

یادداشت

«نقد نقد» در برنامه هفت

علی نقدی
 روزنامه‌نگار

مسعود فراستی پس از چند سال دوری از آتن زنده تلویزیون، شب گذشته با حضور در برنامه «هفت» شبکه نمایش، بار دیگر در صدر اخبار رسانه‌های فرهنگی قرار گرفت. او در این برنامه روبروی رامتین شهبازی، منتقد و مدرس سینما نشست تا در گفتگویی مفصل، به آسیب‌شناسی وضعیت فعلی نقد فیلم در ایران، افول استانداردهای سینمایی و البته تبیین مواضع فکری خودش بپردازد. فراستی گفتگورا با گلایه از وضعیت امروز نقد در رسانه‌ها و فضای مجازی آغاز کرد. او با تأکید بر اینکه «متر نقد» در میان نسل جدید منتقدان گم شده است، اشاره کرد که سینمای امروز ایران به شدت از کمبود نقد جدی، ساختارمند و بی تعارف رنج می‌برد. به باور او، آنچه امروز در فضای مجازی به عنوان نقد دست‌به‌دست می‌شود، غالباً «شبه‌نقد» یا یادداشت‌های تبلیغاتی و اینفلوئنسری است که تماشاگر را گمراه می‌کند.

رامتین شهبازی در چالش با مواضع فراستی، بحث ضرورت تغییر لحن در نقد مدرن و همگامی با فرم‌های جدید سینمایی را پیش کشید. اما فراستی با همان ادبیات قاطع و آشنای خود، روی اصول فرمالیستی‌اش پافشاری کرد. او بار دیگر بر نظریه معروف خود یعنی «فرم» تأکید کرد و گفت: «تا زمانی که فرم شکل نگیرد، محتوا و حس در سینما متولد نمی‌شود». او وضعیت کم‌دی‌های پر فروش این روزهای سینمای ایران را اسفبار خواند و آن‌ها را آثاری «ماقبل سینما» دانست که صرفاً با تکیه بر شوخی‌های اینستاگرامی جیب مخاطب را خالی می‌کنند و هیچ ارزش هنری یا ماندگاری ندارند.

یکی از بخش‌های جذاب این گفتگو، مرور کارنامه خود فراستی و تأثیر لحن تند او در برنامه هفت سال‌های گذشته بود. شهبازی به این نکته اشاره کرد که لحن صریح فراستی گاهی راه تقاهم را می‌بست، اما فراستی دفاع کرد که نقد، جای تعارف و باج دادن به فیلمساز نیست و منتقد باید سپر بلا سینما باشد. حضور دیشب فراستی نشان داد که او با وجود غیبت طولانی، همچنان تمایلی به عقب‌نشینی از مواضع تند و تیز خود ندارد. این گفتگوی چالش‌برانگیز، بار دیگر یادآور دوران اوج برنامه هفت بود و جانی تازه به بحث‌های فرسوده سینمایی در تلویزیون بخشد.

فیلم علی بهراد با اروتیسم پنهان و حاشیه‌سازی، ضعف روایت و ملال‌آوری خود را پنهان می‌کند «تهران کنارت»؛ وقتی حرفی برای گفتن نداری

و بحران عاطفی نسل جوان ارائه دهد، اما در عمل چیزی جز مجموعه‌ای از قاب‌های سرد، دیالوگ‌های مصنوعی و ژست‌های روشنفکرانه نیست.

«تهران کنارت» از آن فیلم‌هایی است که بیشتر از خود آن درباره حاشیه‌های حرف زده می‌شود. اثری که در ظاهر می‌خواهد تصویری شاعرانه و عمیق از تنهایی



سعید قاسمی
 منتقد سینما

فیلم به قدری کند، کم‌اتفاق و ملال‌آور پیش می‌رود که بعید بود بدون جنجال و حاشیه بتواند توجهی جلب کند. درست به همین دلیل نوعی اروتیسم پنهان و کنترل‌شده در سراسر فیلم توزیع شده؛ اروتیسمی که نه از دل داستان، بلکه برای ساختن حاشیه و برانگیختن کنج‌کاوی مخاطب طراحی شده است. شایعه توقیف و سروصدای رسانه‌ای بعدی نیز همان چیزی بود که فیلم برای مهم جلوه دادن خودش به آن احتیاج داشت.

«تهران کنارت» بیش از آن که فیلمی با رویکرد آسیب‌شناختی باشد، پروژه‌ای برای «مهم به نظر رسیدن» است. فیلم از همان ابتدا با سکوت‌های بی‌دلیل، موسیقی غمگین، قاب‌های بسته و دیالوگ‌های پراکنده و بی‌ربط تلاش می‌کند خودش را اثری عمیق و متفاوت معرفی کند، اما پشت این ظاهر پرادعا، چیز چندانی وجود ندارد. نه شخصیت‌ها عمق دارند، نه روابط باورپذیرند و نه فیلم شناخت دقیقی از جهان اطرافش ارائه می‌دهد. همه چیز بیشتر شبیه مجموعه‌ای از فیگورها و اداهای روشنفکرانه است که قرار است جای فقدان روایت و ایده را پر کنند.

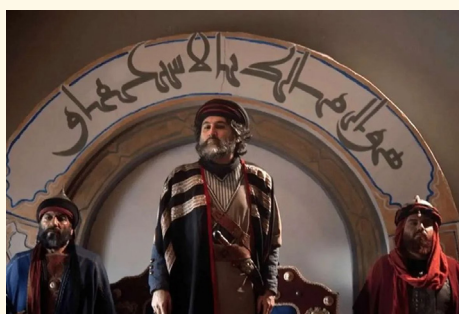
بزرگ‌ترین مشکل فیلم، فقدان زندگی در روایت است. همه چیز آن قدر رکشدار و بی‌رمق پیش می‌رود که فیلم مدام در جامی زند. تماشاگر نه با تعلیق مواجه می‌شود، نه با کشف و نه حتی با تحول شخصیت‌ها. دوربین مدام روی سکوت‌ها، پرت‌گویی‌ها و نگاه‌های خیره مکث می‌کند، بی‌آنکه این لحظات به درکی تازه از شخصیت‌ها یا جهان فیلم منجر شوند. نتیجه، اثری است که بیش از آنکه مخاطب را درگیر کند، او را خسته می‌کند. همین‌جا است که فیلمساز برای پوشاندن این خلأ، به حاشیه پناه می‌برد.

تمام فیلم پر است از آسیب‌های بی‌دلیل و مضحک

داشت، در شهرک سینمایی غزالی جلوی دوربین رفته و برای پخش در ایام محرم آماده می‌شود. سازندگان اثر از هم‌اکنون برنامه ساخت فصل دوم را با حضور چهره‌های جدید در دست اجرا دارند.

داستان این درام مذهبی بر وقایع صدر اسلام میان سال‌های ۶۰ تا ۷۲ هجری قمری تمرکز دارد. فیلمنامه علاوه بر پرداختن به ماجرای عاشورا، حوادث پس از نهضت مختار، رویارویی مصعب بن زبیر با حجاج بن یوسف و تغییرات سیاسی آن دوران را به تصویر می‌کشد.

در این پروژه که اولین کار مشترک لطیفی و حسینی محسوب می‌شود، هنرمندانی چون آرش مجیدی، پوریا پورسرخ، اندیشه فولادوند، الیکا عبدالرزاقی، ارسطو خوش‌رزم، وحید آقاپور و کاظم هژیرآباد به ایفای نقش پرداخته‌اند.



مجموعه تاریخی «نگین ارباب» به کارگردانی محمدحسین لطیفی و تهیه‌کنندگی سید حامد حسینی، در آستانه پخش قرار دارد. این سریال ۳۰ قسمتی که ابتدا «خسوف» نام

یادداشت

امیرحسین قیاسی قرار نیست از پای سفره بلند شود!

ایمان عظیمی
 روزنامه‌نگار

متأسفانه یکی از کارکردهای رسانه، به ویژه از نوع غربی آن این است که حافظه انسان‌ها را می‌بلعد و آن‌ها را نسبت به اتفاقاتی که در پیرامون شان رقم می‌خورد، بی‌سلاح می‌کند. در سالی که گذشت، ایران دو جنگ و یک کودتا را پشت سر گذاشت که در پی آن مردان بی‌همسر، زنان بی‌شوهر، کودکان یتیم، پدران و مادران بی‌فرزند شدند و مملکت از وجود پُربرت رهبر معظم انقلاب محروم شد. زیرساخت‌های اقتصادی و صنعتی کشور هم در طول دو جنگ رمضان با آسیب‌هایی جدید مواجه شدند که برطرف کردن آن زمان و هزینه زیادی را می‌طلبد. باری، افکار عمومی شرق و غرب دنیا با تماشای حضور نژودر روز مردم ایران در تجمعات خیابانی، انگشت حیرت به دهان گرفتند و با چشمانی خیره به خروش میلیونی ما بر علیه آمریکا و رژیم صهیونی چشم دوختند. سلبریتی‌ها و چهره‌های سرشناس ایرانی و خارجی هم در این مدت ساکت نشستند و هر کدام نسبت به تجاوز و حشیانه دشمن موضع‌گیری کردند. در این میان دو دسته از اشخاص مشهور بودند که با نوع واکنش خود بر روی زخم مردم به جای مرهم، نمک پاشیدند. دسته اول ساکتین و دسته دوم به اصطلاح معترضان بودند. دسته اول در هر اتفاقی تا پیش از این وارد عرصه می‌شدند و جمهوری اسلامی را محکوم می‌کردند، اما دسته دوم علاوه بر این رویکرد، بدون محکوم کردن ولو ضمنی اقدامات آمریکایی-صهیونی، پس از چند روز صدایشان درآمد و از قطعی اینترنت و خط سفید و پروشکایت کردند.

یکی از بارزترین این نمونه‌ها «امیرحسین قیاسی» بود که بعد از چهل روز استوری گذاشت و با بی‌اعتنایی نسبت به مسببان اصلی درد و رنج مردم، از اینترنت و... گفت تا همین را هم به وقت نیاز برای مخاطبان هدفش فاکتور کند. او اکنون قرار است با سرمایه «دیجی کالا» به مناسبت برگزاری جام جهانی فوتبال در یوتوب به تولید محتوا بپردازد تا نشان دهد هزینه حمله به ارزش‌ها و بی‌اعتنایی به دشمن نه تنها زیاد نیست، بلکه ممکن است لقمه‌های چرب و نرم بیشتری را برای طلبکاران همیشه در صحنه وعده بگیرد. در حالی که امیرحسین قیاسی از این منظر تفاوتی با سردار آزمون که به خاطر طرفداری از شیخ‌نشین امارات از حضور در تیم ملی خط خورد، ندارد.

«نگین ارباب»؛ سریال مناسبی محرم امسال